

مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز
دوره هفدهم، شماره دوم، بهار ۱۳۸۱ (پیاپی ۳۴)
(ویژه نامه زبان و ادبیات فارسی)
مقالات کوتاه

نگاهی به چگونگی نقل آیات در تفسیر کشف الاسرار و عدةالابرار
نوشته ابوالفضل رشیدالدین میبیدی

دکتر نجف جوکار*
دانشگاه شیراز

چکیده

در ترجمه و تفسیر قرآن کریم، مهمتر از همه چیز، اطمینان یافتن از نقل درست و بی کم و کاست آیات وحی است. اهمیت این موضوع تا جایی است که از دیرباز، مفسرین و دانشمندان علوم قرآنی کوشیده‌اند تا اختلاف قرائتها را ضبط کنند و راه را بر هرگونه دخل و تصرف نابجا در آیات وحی فروبندند.

در تفسیر کشفالاسرار میبیدی که به سال ۱۳۳۱، با همت و پشتکار مرحوم علی اصغر حکمت تصحیح گردیده، برغم همه کوششهای ستودنی آن زنده یاد و همکاران وی اشتباهات چشمگیری دیده می‌شود. با اینکه این اثر، طی سالیان گذشته بارها تجدید چاپ شده است، متأسفانه غبار لغزشها بر چهره گرانبهای این تفسیر فرو مانده است.

نگارنده در این مختصر، تنها نمونه‌هایی از اشتباهات و لغزشها را با عناوین زیر برشمرده و سپس با استفاده از معجم الفاظ قرآنی و نص صریح قرآن کریم، صورت صحیح آنها را با ذکر آیه و سوره بیان داشته است.

۱. در هم ریختگی آیات ۲. افزودن کلماتی به نص آیه و یا کاستن از آن ۳. لغزشهای اعرابی و جایی.

واژه‌های کلیدی: ۱. کشف الاسرار ۲. تفسیر ۳. تأویل ۴. دگرگونی آیات.

۱. مقدمه

یکی از آثار گرانسنگ قرن ششم هجری، تفسیر عرفانی کشفالاسرار و عدةالابرار میبیدی است. این تفسیر که به زبان شیرین فارسی نگارش یافته است از دیر باز دل‌های شیفتگان مفاهیم عرفانی و قرآنی را به سوی خود جلب نموده است. نگارش کشف الاسرار به سال ۵۲۰ هجری بوسیله امام السعید ابی الفضل بن ابی سعید احمد بن محمدبن محمود المیبیدی آغاز گردید. اما پایان آن معلوم نیست تا کی به طول انجامیده است (میبیدی، مقدمه: الف؛ ۱۳۶۱) ابوالفضل رشیدالدین میبیدی، از میان شیوه‌های تفسیری رایج، که تا قرن ششم در عالم اسلامی دیده می‌شد، روش عمومی اصحاب حدیث^{*} (رکنی، ۳۸ و ۵۰: ۱۳۷۰) و شیوه عرفانی و تأویلی را با هم جمع نمود. در این تفسیر، آیات قرآنی در سه نوبت ترجمه و تفسیر گردیده است، شیوه کار در این سه نوبت، به شرح زیر است:
الف. نوبه‌الاولی: گزارش لفظ به لفظ آیات با بهره‌گیری از واژگان سره فارسی است.

* استادیار بخش زبان و ادبیات فارسی

ب. نوبه‌الثانیه: در این قسمت، شأن نزول، اختلاف قرائت، تحلیل جنبه‌های تاریخی و قصه‌های قرآنی، جنبه‌های صرفی و نحوی آیات و الفاظ و ریشه‌یابی لغات و باز کاوی فقهی، هر کدام به فراخور زمینه آیات، مورد توجه مفسر واقع شده است.

ج. نوبه‌الثالثه: میبیدی در این نوبت، برخی از آیات نوبت اول را برگزیده و با نگرشی صوفیانه، ضمن استفاده از اشعار فارسی و عربی و جملات بزرگان دین و اهل خانقاه و بویژه سخنان خواجه عبدالله انصاری به تأویل و تفسیر عرفانی آنها پرداخته است.

۲. نقل آیات و چگونگی آن در کشف الاسرار میبیدی

کشف الاسرار به سال ۱۳۳۱ به همت دانشور فرزانه، مرحوم علی اصغر حکمت، بر اساس نسخه عکسی بنی جامع و دو نسخه توپ قاپوسرای و نسخه کابل تصحیح گردید. (میبیدی، ج: ۹/۱ مقدمه: ۱۳۶)

زحماتی که مرحوم حکمت در تصحیح این اثر گرانبه‌تر متحمل گشته، شایسته ستایش است. زیرا گستردگی تفسیر، تنوع نقل قولها و تفکیک سخن مفسر از مستندات و منابع مورد استفاده و همچنین روایات و جملات بزرگان عرفان و شواهد قرآنی که مفسر در تبیین آیات از آنها بهره جسته، همگی نشان دشواری راه تصحیح است. افزون بر این اشکالات دیگری که گریبانگیر همه نسخه‌های خطی است. اعم از بدخوانیها و اجتهاد نابجای کاتبان و بد خطی و آب گرفتگی و ریختگی پاره‌ای از صفحات نیز مزید بر علت است.

اما با همه ارجی که برای این کار ستودنی و سترگ قائلیم، اشکالاتی در متن چاپی این تفسیر دیده می‌شود که ناگفتنش خود اشکال دیگری است. زیرا ساحت مقدس و ملکوتی قرآن در هر جا سایه گسترد باید از شائبه هر گونه لغزش قلم و نقل و استنساخ مبرا باشد و همچنانکه گذشتگان در جهت حفظ و نگهداری و ثبت و ضبط آیات و حتی اعراب و حرکات آن، کوتاهی روا نمی‌داشتند، این همت و دقت دیرینه باید سرمشق همگان باشد و حال و آینده در راه پاسداری این گنجینه الهی، از جان بکوشند.

نگارنده بی آنکه بخواهد از سر تأمل و استقصاء همه آیات این تفسیر را باز کاود، به مرور ضمن بررسی و کاوش درباره وجوه قرآن در این اثر که خود موضوع تحقیق دیگری بوده است، به مواردی برخورد که ضبط آیات را با نص صریح قرآن ناسازگار دید و در این نوشتار کوتاه به پاره‌ای از آنها پرداخت. البته ناگفته نماند که هدف، بررسی همه جنبه‌های این تفسیر نیست بلکه تنها به چگونگی نقل آیات توجه شده است.

اشکالاتی که در نقل آیات این تفسیر رخ داده است، از چند جا سرچشمه می‌گیرد. اولاً در زمانی که میبیدی این تفسیر را به انجام رسانده است، در زمینه فهرست نویسی و تهیه معجم الفاظ قرآنی کاری صورت نگرفته بود تا مفسر بتواند به کمک آن آیات را که از سوره‌های مختلف، برای تفسیر و تبیین آیه‌ای شاهد می‌آورد برگزیند و صورت صحیح آن را نقل کند. از آنجا که برخی از آیات، با اندک تفاوتی در سوره‌های دیگر نیز تکرار شده است، استناد به این نوع آیات، آنهم به صورت ذهنی، بدور از لعزش نخواهد بود.

ثانیاً: دستکاریها و اشتباهات و سهو القلم کاتبان خود دلیل دیگری است.

ثالثاً: بعد از اشتباهاتی که احیاناً میبیدی و یا کاتبان مرتکب گشته‌اند نوبت به مراحل تصحیح و حروف چینی و چاپ می‌رسد. انتظار خواننده این است که با توجه به اهمیت موضوع و عظمت قرآن، مصحح محترم نه تنها اشتباهات نسخه را برطرف ساخته باشد، بلکه تا حد میسر، از بروز اشتباهات چاپی نیز جلوگیری نماید. شاید همین بایدها با توجه به پیدا شدن نسخه‌های خطی دیگری که احیاناً مرحوم حکمت از وجود آنها بی‌خبر بوده است و امکانات پیشرفته‌تر امروزی، تصحیح دوباره متن را ضروری می‌سازد.

به هر حال اشتباهات و لغزشهایی که بدان اشاره شد، در چند دسته قابل تقسیم است:

۱. آمیختگی آیات.

۲. افزودن کلماتی به نص آیه و یا کاستن از آن.

۳. ایجاد دگرگونی در الفاظ آیات و یا تعویض کلمات آنها.

۲.۴. لغزشهای اعرابی و اشکالات چایی.

برای اطمینان خاطر، همه مواردی که در توضیحات بعدی خواهد آمد با قرآن کریم به ترجمه آقای بهاء‌الدین خرمشاهی که بر اساس قرائت عاصم به روایت حفص می‌باشد مقابله گردیده است.

۲.۱. آمیختگی آیات

در جلد اول کشف‌الاسرار آمده است: «ایشانند که الله گفت ایشان را کنتم خیر امه جعلناکم امه وسطاً» شما اید امت گزیده پسندیده، بهینه زمینیان (میبیدی، ۷۷: ۱۳۶۱).

در اصل، بخش اول آیه یاد شده، مربوط به آیه ۱۱۰ سوره آل عمران می‌باشد: «کنتم خیر امه اخرجت للناس تأمرون بالمعروف و تنهون عن المنکر...» و بخش دوم، از آیه ۱۴۳ سوره بقره: «و کذلک جعلناکم امه وسطاً لتکونوا شهداء علی الناس...» (همان، ۳۸۹)

و یا در تفسیر سوره مائده چنین آمده است: و قال تعالی: «ثم محلها الی البیت العتیق لیدوق و بال امره» (همان، ج ۱۳/ ۲۳۰)

بخش اول آیه، مربوط به آیه ۳۴ سوره حج است: «لکم فیها منافع الی اجل مسمى ثم محلها الی البیت العتیق» و بخش دوم آیه مربوط به آیه ۹۵ سوره مائده می‌باشد: «فجزاء مثل ما قتل من النعم یحکم به ذو عدل منکم هدیاً بالغ الکعبه او کفارة طعام مساکین او عدل ذلک صیاماً لیدوق و بال امره» (همان، ۲۲۱).

همچنین در تفسیر آیه ۱۷۶ سوره آل عمران آمده است: «و صدوا عن السبیل والله اراکسهم بما کسبوا» (همان، ج ۳/۱).

بخش اول این آیه بدین صورت «و صدوا عن سبیل‌الله» در سوره‌های نساء آیه ۱۶۷ و نحل آیه ۸۸ و محمد آیه ۱ و ۳۲ و ۳۴ دیده می‌شود. و در هیچیک از موارد یاد شده، «السبیل» نیامده بلکه همه «سبیل» می‌باشد. و قسمت دوم آیه یعنی «والله اراکسهم بما کسبوا» بخشی از آیه ۸۸ سوره نساء است.

همچنین در تفسیر آیه ۲۸ سوره بقره به آیه‌ای از سوره ملک استناد شده و متن آیه بدین صورت نقل گردیده است: «ءامنتم من فی السماء ام امنتم فی السماء» (همان، ۱۲۳).

در حالی که نص آیه چنین است: «ءامنتم من فی السماء ان ینخسف بکم الارض فاذا هی تمور ام امنتم من فی السماء ان یرسل علیکم حاصباً» (ملک/ ۱۷ و ۱۷).

و نیز آیه ۱۶۹ سوره اعراف، اینگونه آمده است: «فخلف خلف من بعدهم» (همان، ج ۳/ ۷۶۹).

و اصل آیه چنین است: «فخلف من بعد هم خلف».

و در تفسیر آیات ۳۰ و ۳۱ سوره دخان: «و لقد نجینا بنی اسرائیل من العذاب المہین من فرعون انه کان عالیاً من المسرفین».

میبیدی چنین می‌گوید: «من استعباده ایاهم و استخدمه لهم و قتله اولادهم ثم فسّر العذاب، فقال: «من فرعون» و قرأ ابو جعفر: «من فرعون» بفتح المیم فیکون جواباً لقوله: «فمن ربکما یا موسی» و قوله: «ما رب العالمین انه کان عالیاً من المسرفین» کقوله «کان من العالین» و کقوله: «ان فرعون علا فی الارض» (همان، ج ۹/ ۱۰۰: ۱۳۶۱)

در این عبارت سه آیه در هم آمیخته شده است:

اولاً: «ما رب العالمین انه کان عالیاً من المسرفین» چنین آیه‌ای در قرآن نیست. بلکه این قسمت ترکیب دو بخش از دو آیه است: آیه ۲۳ سوره شعرا و آیه ۳۱ سوره دخان. «قال فرعون و ما رب العالمین» (شعراء/ ۲۳) و آیه ۳۱ دخان: «من فرعون انه کان عالیاً من المسرفین»

و همچنین: «کان من العالین» صورت دگرگون شده بخشی از آیه ۷۵ سوره ص است که نص آن آیه بدین گونه می‌باشد: «قال یا ابلیس ما منعک ان تسجد لما خلقت بیدی اُستکبرت ام کنت من العالین».

۲.۲. افزودن کلماتی به نص آیه و یا کاستن از آن

۲.۲.۱. نمونه‌هایی از افزودن الفاظ: مثلاً در ترجمه آیه ۷۰ سوره اعراف آمده است: "قال هود هود گفت ایشان را قد وقع علیکم من ربکم واجب گشت شما را از خداوند شما رجس و غضب عذابی و خشمی (میبیدی، ج ۳/ ۶۴۵: ۱۳۶۱) در حالی که نص صریح آیه چنین است: "قال قد وقع علیکم من ربکم رجس و غضب و کلمه هود در نص آیه نیست.

و یا در آیه ۱۸ سوره مریم آمده است: "قالت مریم گفت مریم انی اعوذ بالرحمن منک من در زینهار و پناه رحمن می‌شوم [از او بازداشت می‌خواهم] از تو ان کنت تقیاً گر پرهیزکاری تو (همان، ج ۶/ ۲۳). در حالی که در نص آیه نام مریم نیامده است.

۲.۲.۲. نمونه‌هایی از افتادگی الفاظ: در مورد افتادگی کلمات، مثلاً در تفسیر آیه ۳۸ سوره بقره فلا خوف علیهم و لا هم یحزنون به آیه‌ای از سوره رعد استناد گردیده است و کلمه سوء از قلم افتاده است: "یخشون ربهم و یخافون الحساب" (همان، ج ۱/ ۱۵۸).

و اصل آیه چنین است: "و یخشون ربهم و یخافون سوء الحساب" (رعد/ ۲۱).
و یا در تفسیر آیه ۱۱۴ سوره مائده کلمه ربنا از قلم افتاده است. اللهم انزل علینا مائدة من السماء تکون لنا عیداً (همان، ج ۳/ ۲۶۵) و اصل آیه چنین است: "قال عیسی بن مریم اللهم ربنا انزل علینا مائدة من السماء تکون لنا عیداً" و نیز افتادن نام موسی از آیه ۴۸ سوره انعام: "داوود و سلیمان و ایوب و یوسف و هارون و کذلک نجزی ... (همان، ۴۱۱) که در نص آیه، نام موبسی پیش از هارون قرار دارد.

و همچنین افتادن نام الله در آیه ۴۴ سوره نور (همان، ج ۲/ ۳۸۳) "یلقب اللیل والنهار ان فی ذلک لعبره لاولی الابصار"

نص آیه چنین است: "یقلب الله اللیل والنهار ان فی ذلک لعبرة لاولی الابصار" و یا افتادن من الله از آیه ۱۲۰ سوره بقره: "ولئن اتبعت اهواء هم بعد الذی جاءک من العلم مالک من ولی و لا نصیر" (همان، ج ۱/ ۳۳۲) در اصل چنین است: "و لئن اهواء هم بعد الذی جاءک من العلم مالک من الله من ولی و لا نصیر"

و نیز افتادن ضمیر هم از فعل یعرفونهم در آیه ۴۸ سوره اعراف و نادای اصحاب الاعراف رجالاً یعرفون بسیاهم (همان، ج ۳/ ۶۱۲) در اصل، آیه چنین است: "و نادای اصحاب الاعراف رجالاً یعرفونهم بسیاهم ..."

و یا در آیه ۹۲ سوره مریم ان کل من فی السموات نیست هر که در آسمان و زمین کس است الا آتی الرحمن عبداً مگر آمدنی فردا به رحمن بندگی (همان، ج ۶/ ۶۸) از ترجمه متن نیز پیداست که لفظ والارض از آیه افتاده است و نص آیه چنین می‌باشد: ان کل من فی السموات والارض الا آتی الرحمن عبداً. علاوه بر اینها، موارد افتادن حرفی از کلمات قرآنی و یا افزودن نایجای حرفی نیز دیده می‌شود که به چند نمونه اشاره می‌کنیم: "اتقولون علی الله مالا تعلمون" (همان، ج ۳/ ۵۸۶) که در صورت صحیح آن "ام تقولون علی الله ما لا تعلمون" است (بقره/ ۸۰).

و یا "و لا جناح علیکم فیما تراضیتم به من بعد الفریضه" (همان، ج ۲/ ۴۷۰) که صحیح آن "تراضیتم" است. و یا در آیه ۴ سوره نور "و لا تقبلوا لهم شهادة ابدأ و اولئک هم الفاسقون" لفظ لهم و "واو" پیش از اولئک، در متن دیده نمی‌شود.

و باز از این دست، افتادن "علیه" از آیه ۷ سوره نور: "والخامسه ان لعنه الله ان کان من الکاذبین" می‌باشد که نص آیه چنین است: "والخامسة ان لعنة الله ان کان من الکاذبین" می‌باشد که نص آیه چنین است: "والخامسة ان لعنة الله علیه ان کان من الکاذبین" (ج ۱۶/ ۴۸۰).

و نیز افتادن لکم از آیه ۲۸ همان سوره: "فان لم تجدوا فیها احداً فلا تدخلوها حتی یؤذن" که در نص آیه حتی یؤذن لکم می‌باشد (همان، ج ۱۶/ ۴۹۸).

همچنین در آیه ۲۶ سوره ق "الذی جعل مع الله فالقیاه فی العذاب الشدید"، الهی آخر از قلم افتاده است و نص آیه عبارت است از: "الذی جعل مع الله الهی آخر فالقیاه فی العذاب الشدید".

۲.۳. دگرگونی در الفاظ و کاربرد نابجای کلمه‌های بجای کلمه‌های دیگر

کاربرد "خبیر" بجای "بصیر" در آیه ۱۱۲ سوره هود: "ولا تطغوا انه بما تعملون خبیر" و نافرمان و اندازه در گذراننده مبیید که او به آنچه شما می‌کنید بینا و داناست (همان، ج ۴/ ۴۴۴) در اصل آیه چنین است: "ولا تطغوا انه بما تعملون بصیر" (هود/ ۱۱۱).

همچنین کاربرد "لهم" بجای "لأنفسهم"، "ولا تحسبن الذین کفروا انما نملی لهم خیر لهم" (همان، ج ۲/ ۳۴۴) که نص آیه چنین است: "ولا تحسبن الذین کفروا انما نملی لهم خیر لأنفسهم" (آل عمران/ ۱۷۸) البته در نوبه‌های ثانیه، هنگام تفسیر آیه مذکور، صورت صحیح آن نقل شده است. (میبدی، ج: ۲/ ۳۵۴: ۱۳۶۱) از این نمونه است کاربرد "یؤتوا" بجای "یعطوا"، در آیه ۲۹ توبه که نص آیه چنین است: "... ولا یدینون دین الحق من الذین اوتوا الكتاب حتی یعطوا الجزیه عن ید و هم صاغرون".

کاربرد "الحکیم" بجای "الکریم" (همان، ج: ۱/ ۸۲) در آیه ۴۹ از سوره دخان از نمونه‌های دیگر این لغزشهاست: "ذق انک انت العزیز الحکیم" بجای "بجش که تو آن عزیزی و کریمی؛ که نص صریح آن چنین است: "ذق انک انت العزیز الکریم" (دخان/ ۴۹).

و از این گونه است کاربرد "فی" بجای "علی" (همان، ج: ۲/ ۳۵۴) "وجعلنا فی قلوبهم اکنه ان یفقهوه و فی آذانهم و قرأ" که نص آیه چنین است: "و جعلنا علی قلوبهم اکنه ان یفقهوه و فی آذانهم و قرأ" (نعام/ ۲۵، اسراء/ ۴۶، کهف/ ۵۷). همچنین کاربرد "بالله" بجای "فی الله" (همان، ج: ۱/ ۳۱۷) "وجاهدوا بالله حق جهاده هو اجتباکم"، که نص آیه شریفه چنین است: "وجاهدوا فی الله حق جهاده هو اجتباکم" (حج/ ۷۸).

از نمونه‌های دیگر کاربرد "فأتوا" بجای "فلیأتوا" (همان، ج: ۱/ ۱۰۵) "فأتوا بحدیث مثله؛ که اصل آیه چنین است: "فلیأتوا بحدیث مثله ان کانوا صادقین" (طور/ ۳۴).

همچنین کاربرد "الی بلد" بجای "لبلد" (همان، ج: ۳/ ۴۷۸) "سقناه الی بلد میت؛ که اصل آیه چنین است: "سقناه لبلد میت" (اعراف/ ۵۷).

کاربرد "أفلا یکفهم" بجای "أولم یکفهم" (همان، ج: ۲/ ۱۸۴) در "أفلا یکفهم انا انزلنا علیک الكتاب یتلی علیهم؛ که نص آیه چنین است: "او لم یکفهم انا انزلنا علیک الكتاب یتلی علیهم" (عنکبوت/ ۵۱).

و از این دست است کاربرد "نومن بشرین" به جای "أنو من لبشرین" در آیه ۴۷ سوره مؤمنون: "فقالوا نو من بشرین مثلنا" (همان، ج: ۶/ ۴۲۹) که نص آیه اینگونه است: "فقالوا أنو من لبشرین مثلنا و قومهما لنا عابدون" نمونه دیگر کاربرد کلمه "قوة" به جای "مرة" در آیه ۶ سوره نجم: "ذو قوة فاستوی" (همان، ج: ۹/ ۳۴۷)، که نص آیه چنین است: "ذو مرة فاستوی".^۲

یادآور می‌شود علاوه بر جابجایی کلمات "قوه" و "مره"، در "نوبه‌های ثانیه" نیز تفسیر این آیه و آیه پیش از آن، جابجا شده است (همان، ج: ۹/ ۳۵۶-۳۵۵).

۳. لغزشهای اعرابی و اشکالات چاپی

برغم تلاش فراوان مصحح در تصحیح کشف الاسرار، و با اینکه بخش اعظم آیات بدون اعراب و حرکت به چاپ رسیده، موارد لغزش اعرابی در متن فراوان دیده می‌شود که در اینجا برای پیشگیری از اطلاع کلام، از ذکر آنها خودداری می‌گردد.

اما درباره اشکالات چاپی، متأسفانه نگارنده نسخه‌های خطی متن موجود را در دست ندارد تا به مقابله نسخه و متن مصحح بپردازد، بنابراین چند مورد از مواردی را که بیشتر حدس می‌زند لغزشهای چاپی باشد در اینجا ذکر می‌کند:

کاربرد "تولی" بجای "تولی" (همان، ج: ۳/ ۴۷۸) در آیه ۱۲۹ سوره انعام: "و کذلک تولی بعض الظالمین بعضاً" که صحیح آن "تولی" است. مضافاً اینکه در صفحه ۴۲۹ همان جلد در نوبه‌های ثانیه واژه "الجبل" به جای "الجمل" (همان،

ج ۷۲۷/۳) به کار رفته است. "ولا یدخلون الجنة حتی یلج الجبل فی سم الخیاط" (اعراف / ۴۰) که صورت صحیح آن "الجمل" است.

کاربرد "الواح" بجای "الالواح" (همان، ج: ۷۳۵ / ۳)، در آیه ۱۴۵ سوره اعراف: "و کتبنا له فی الالواح من کل شیء موعظه"

نمونه دیگر، کاربرد "غفوراً" به جای "غفور" در آیه ۷۰ سوره انفال: "و یغفر لکم والله غفوراً رحیم" (همان، ج: ۷۶/۴) در حالی که نص آیه چنین است: "و یغفر لکم والله غفور رحیم"

۴. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

چنانکه پیش از این نیز اشاره شد، بروز اشکال در متنی به این وسعت و با تنوع نقل قولها از منابع تفسیری و تاریخی و روایی و عرفانی، دور از انتظار نیست. بویژه آنکه در متون کهن، سنت ارجاع به منابع و مشخص کردن آثار مورد استفاده و حد و مرز اقتباسها، متداول نبوده است. بنابراین در آمیختن نوشته‌های مؤلف و جنبه‌های اقتباسی فراگیر بوده و چه بسا لغزشها متنی به متن دیگر راه می‌یافت. شاید این جنبه نیز دلیل دیگری برای بروز اشکال در متنها کهن بوده باشد.

بی‌شک زیبایی و لطافت و عظمت تفسیر کشف‌الاسرار به قدری است که مصداق "آفتاب آمد دلیل آفتاب" است. بروز اشکالات چاپی و امثال آن از ارزش بنیادی اثر نمی‌کاهد. اما از آنجا که این تفسیر و آثاری از این دست، از بنیانهای فرهنگی جامعه و پستوانه اندیشه و باور مردم ماست، ستایش کورکورانه و تمجید بدون نقد نه تنها گرامی داشت نویسنده و متن نیست؛ بلکه نشان سطحی نگری و بی‌دقتی است. بنابراین شایسته است که برای اصلاح این متن چند گام مهم برداشته شود:

- الف. شناسایی منابع مورد استفاده میبیدی و میزان و نحوه بهره‌گیری وی از آن منابع.
- ب. نقد و بررسی این اثر گرانبها از زوایای دیگر غیر از آنچه که در این مقاله بدان پرداخته شد.
- ج. تصحیح دوباره متن بر اساس نسخه‌های معتبر موجود و پژوهشهای گروهی در این باره.

یادداشتها

۱. میندار ایشان که کافر شدند که آنچه ما ایشان را فرو گذاریم ایشان را به است (همان کتاب، ج ۲ / ۳۴۴). یاد آوری می شود که در قرآنهاى دیگر از جمله قرآن کریم به ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی "ولایحسبن = میندارند" آمده است و خود میبیدی نیز در ص ۲۵۴ همین جلد در بحث اختلاف قرائت آیه، به این نکته اشاره کرده است.
۲. همان کتاب، ج ۴ / ص ۱۱۰. ضمناً در صفحه ۱۱۵ صورت صحیح ضبط شده است.
۳. آن محکم نیروی راست شدند (همان کتاب، ج ۳۴۷/۹) ترجمه این آیه در تفسیر ابوالفتوح رازی چنین آمده است: "خداوند قوتی که راست شد" ر. ک. ج ۱۸ ص ۱۴۸. و در ترجمه خرمشاهی: "برومند است و سپس [در برابر او] در ایستادند."

منابع

- خرمشاهی، بهاءالدین. (۱۳۷۴). ترجمه قرآن کریم، تهران: انتشارات جامی.
- رازی، ابوالفتوح (حسین بن علی بن محمد بن احمد خزاعی نیشابوری). (۱۳۷۵). روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن (مشهور به تفسیر شیخ ابوالفتوح رازی). به تصحیح محمد جعفر یاحقی، محمد مهدی ناصح، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- رکنی، محمد مهدی. (۱۳۷۰). لطایفی از قرآن کریم، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی، چاپ پنجم.
- عبدالباقی، محمد فؤاد. (۱۴۱۴ هـ. ق). المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم، لبنان - بیروت: دارالمعرفه.
- میبدی، ابوالفضل رشیدالدین. (۱۳۶۱). کشف الاسرار و عدة لابرار، به تصحیح علی اصغر حکمت، تهران: امیر کبیر.